

ارائه مدل توسعه پایدار مبتنی بر تعالی آموزش کارآفرینی مراکز آموزش جهاد کشاورزی مژگان شاعری

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

هادی رزقی شیرسوار^۱

گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش "ارائه مدل توسعه پایدار مبتنی بر تعالی آموزش کارآفرینی کشاورزی مراکز آموزش جهاد کشاورزی" می باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. در مجموع ۴۴۳۰ نفر جامعه شاغلین مراکز آموزش جهاد کشاورزی می باشند که مطابق جدول مورگان تعداد ۳۵۴ نفر به عنوان نمونه مورد پژوهش انتخاب شدند که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده اقدام به انتخاب نمونه مورد پژوهش شد. در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته ۶۴ گویه‌ای (برگرفته از پژوهش شمس و همکاران (۱۳۹۳)) استفاده شده است. روایی ابزار پژوهش با توجه به استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و با توجه به بکارگیری خبرگان و تایید صوری ابزار پژوهش، روایی پرسشنامه بصورت صوری به تایید رسیده است. جهت تأیید پایایی پرسشنامه نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در مجموع عدد ۰.۹۵۳ به دست آمد. نتایج حاصل از اجرای آزمون مدل تاییدی نشان می‌دهد، کلیه پارامترهای مدل در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار دارند. نتایج حاصل از اجرای مدل نهایی ساختاری نشان می‌دهد، بالاترین بار عاملی مربوط به مولفه رهبری (۰.۸۸) و در جایگاه دوم مولفه خط و مشی و استراتژی (۰.۸۶) و در جایگاه سوم مولفه شراکت ها و منابع (۰.۸۴) قرار دارد.

کلمات کلیدی: تعالی آموزش، کارآفرینی، آموزش کشاورزی، مدل

در جوامع امروزی، بازارها و سیاست‌ها به سرعت در حال تغییر هستند. این تغییر بصورت چشمگیری در کشورهای صنعتی در بخش کشاورزی نیز حادث شده است. در این میان در سایر کشورها نیز ضروری است، کشاورزان و یا کارآفرینان کشاورزی انعطاف پذیرتر شوند و راهکارهایی را برای پیشگیری از ادغام یا واگذاری مزرعه، مشارکت، سیستم‌های دانش، مهارت‌های شخصی و توانایی‌های شخصی در شرایط خارجی بکار بندند. تحقق چنین اهدافی نیازمند آموزش مناسب کارآفرینی در بخش کشاورزی می‌باشد (Smith, 2004).

در واقع کارآفرینی و آموزش آن یکی از مهمترین جنبه‌های کشاورزی است که اهمیت روزافزونی خواهد یافت. تغییرات صورت گرفته در بازار (جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازار کار کشاورزی، امنیت غذایی، رقابتی شدن بازار)، سیاست‌های کشاورزی (فائو، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا و حرکت به سوی کشاورزی تجاری مبتنی بر بازار) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم کاری، مباحث زیست محیطی، تنوع زیستی، منابع طبیعی) از عواملی هستند که ضرورت آموزش کارآفرینی در کشاورزی را بیش از پیش نمایان می‌سازد (عزیزی، ۱۳۸۹).

برخی از جنبه‌های حایز اهمیت در آموزش کارآفرینی بخش کشاورزی شامل مواردی زیر است: ۱. تجزیه و تحلیل و ارزیابی شرایطی که کارآفرینان کشاورزی باید انجام دهند؛ ۲. نظارت و ارزیابی نتایج کارآفرینی، ۳. تجزیه و تحلیل رفتار گروهی از کارآفرینان خود برای پیدا کردن توضیحات برای واکنش‌های گذشته و یا پیش بینی واکنش‌های آینده از کشاورزان در جهت توسعه بازار. ارتقاء سطح کارآفرینی از طریق آموزش در ابعاد مختلف از جمله از طریق برنامه ریزی استراتژیک تعاملی می‌تواند در فرآیندهای یادگیری آموزش کارآفرینی نقش داشته باشد. در کشاورزی، کارآفرینان منفعل، متوسط و فعال بسیار قابل تشخیص هستند. به طور کلی، کارآفرینان فعال تر دارای یک دیدگاه و استراتژی قوی تر نسبت به حفاظت از یکپارچه محصولات کشاورزی و سطوح پایین استفاده از آفت کش‌ها و بار زیست محیطی نسبت به همکاران غیرفعال هستند. به طور کلی، نیازی جدی به بهبود سطح کارآفرینی در بخش کشاورزی وجود دارد، و برنامه ریزی استراتژیک تعاملی می‌تواند ابزار مفیدی برای تسهیل چنین پیشرفتهایی هستند. در این شیوه کارآفرین کشاورزی در مرکز این روند قرار دارد. او برای تدوین اهداف، استراتژی و برنامه‌های خود، و انطباق آن با زمانی که شرایط خارجی (پیش بینی شده) تغییر می‌کند، آموزش داده می‌شود (Smith, 2004).

از سوی دیگر بدون تردید سازمان‌های عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده بین‌المللی روبرو هستند، از اینرو تداوم و بقا سازمان‌های موجود نیازمند یافتن راه‌حل‌ها و روش‌های جدیدی برای مقابله با مسائل و مشکلات است که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرآیندها و روش‌های جدید بستگی دارد. برای تحقق چنین هدفی مدیران باید به نقش‌هایی روی آورند که بتواند جوابگوی شرایط متحول محیطی باشد. مدیران بعنوان رکن اساسی در غالب سازمان‌ها چهار نقش عمده را ایفاء می‌کنند که عبارتند از نقش تولیدی، نقش یکپارچه کننده، نقش کارآفرینی و نقش بوروکراتیک یا اداری. در این میان از کارآفرینی بعنوان موتور توسعه اقتصادی یاد می‌شود (Heinonen, 2017).

در واقع کارآفرینی عامل اصلی ایجاد نوآوری و خلاقیت در درون سازمان‌ها می‌باشد و سازمان بزرگ و چند منظوره کشاورزی و سازمان‌های اقماری آن نیز از این قاعده مستثنی نیستند. امروزه بسیاری از سازمان‌ها از جمله سازمان‌های عمومی و دولتی به لزوم کارآفرینی سازمانی پی برده‌اند در واقع این گونه تغییر در گرایش و راهبرد سازمان‌ها در

پاسخ به سه عامل زیر می‌باشد: ۱. افزایش سریع رقبای جدید در حیطه‌های مختلف ۲. ایجاد حس بی‌اعتمادی نسبت به شیوه‌های مدیریت سنتی ۳. خروج بهترین نیروهای کار از سازمان‌ها و اقدام آنها به کارآفرینی مستقل (احمدپور داریانی، ۱۳۷۸).

از آنجائیکه سازمان‌ها ممکن است دارای واحدهای کارآفرین و واحدهای معمولی باشند، لذا باید دارای دوفرهنگ سازمانی متفاوت و یا حتی متضاد نیز باشند. «هوارد استیونسون» و «دیوید گامپرت» این دو فرهنگ را بنام «فرهنگ کارآفرینانه» و «فرهنگ اداری» نامگذاری کرده‌اند. بعنوان مثال، «استیونسون» و «گامپرت» معتقدند که یک مدیر ایده‌آل باید در مورد منابع تحت کنترل خود، ساختار روابط بین سازمان و بازار، چگونگی کاهش تاثیر سایرین بر عملکرد شرکت، یافتن فرصت‌های مطلوب و مناسب، سوالاتی را مطرح نماید (Kuratko & Hodgetts, 2012)

در بعد اول (گرایش استراتژیک)، اغلب کارآفرینان مدیرانی هستند که تفاوت‌ها را شناسایی کرده و با استفاده از این فرصت‌ها به پیش می‌روند. چنانچه این فرصت‌ها بواسطه ایجاد تغییر در مصرف‌کنندگان محصول، مسائل اقتصادی، قوانین و مقررات سیاسی، ارزش‌های اجتماعی یا تکنولوژیکی کاهش یابد، و کارآفرینان توانایی مقابله با آنها را نداشته باشند، تحت فشار قرار می‌گیرند. اما در بعد گرایش استراتژیک، مدیرانی که دارای ویژگی‌های شخصیتی یک مدیر اداری هستند، با استفاده از منابع کنترل شده، همانند میزان نقدینگی شرکت، مهارت‌ها و سایر دارایی‌های موجود برانگیخته شده و فعالیت می‌نمایند. چنین مدیرانی بواسطه الزامات اجتماعی، همکاران و زیردستان، معیارهای ارزیابی عملکرد و چرخه‌های برنامه‌ریزی تحت فشار قرار می‌گیرند (Osborne, 2012)

در سازمان‌های کارآفرین، کارآفرینان نقش الگو را بازی می‌کنند؛ یعنی سازمان‌های کارآفرین دائماً بدنبال افراد و واحدهایی هستند که کارها را بهتر و بصورت متفاوت از دیگر واحدها یا افراد، انجام دهند. این سازمان‌ها آنها را یافته و با مورد توجه قرار دادن آنها، این پرسش‌ها را مطرح می‌کنند که: «شما چه کار انجام داده‌اید که باعث موفقیت شما شده است؟ شما چه کاری انجام می‌دهید، که دیگران انجام نمی‌دهند؟ و شما چه کاری انجام نمی‌دهید که دیگران انجام می‌دهند؟ این نحوه برخورد باعث می‌شود، تا روح کارآفرینانه در سازمان زنده نگه داشته شود.» استیونسون و همکارانش ویژگی‌ها و مهارت‌های مرتبط با «مدیریت کارآفرینانه» را در مقابل «مدیریت اداری یا بوروکراتیک» اینگونه توصیف می‌کنند: «مدیریت کارآفرینانه فرآیند مشخص ساختن یا ایجاد یک فرصت برای خلق ارزش از طریق نوآوری و تعقیب فرصت است. علیرغم آنکه در آغاز منابع کافی وجود ندارد.» (Thonberry, 2013)

نوآوری در «مکتب شومپترین» در قالب بهبود در محصولات، فرآیندها و یا اشکال سازمانی مفهومی‌پردازی شده است. همانگونه که در تعریف فوق بیان گردید. فرآیند مدیریت کارآفرینانه ممکن است در یک فعالیت یا کسب و کار مستقل و یا در درون یک سازمان بزرگ بروز نماید. که نوعاً در این فرآیند، معمولاً رهبری وجود خواهد داشت که تحت عنوان «کارآفرین» شناخته می‌شود. در این فرآیند برخی مشخصه‌های ذیل بروز و ظهور می‌یابند:

۱. شرایط عدم اطمینان؛

۲. مقیاس کوچک در آغاز؛

۳. ظرفیت رشد بالا؛

۴. ریسک زیاد بالا در احتمال شکست؛

۵. استفاده گسترده از سرمایه های اجتماعی؛

۶. راه اندازی برخی واحدها و یا سازمان‌های جدید (Kuratko & Hodgetts, 2012)

از سوی دیگر جهت تعالی سازمان ها نیاز به شناخت مدل‌های مختلف تعالی می باشد. مطالعات مختلف نشان می دهد، سه مدل اصلی برای مدیریت کیفیت فراگیر وجود دارد.

۱. مدل دمی‌نگ که تنها در ژاپن استفاده می شود. بیشتر به سمت پیامدهای تولیدی نظر دارد.

۲. مدل مالکوم بالدريج که در بیست آگوست سال ۱۹۸۷ در ایالات متحده آمریکا مطرح شده است که روی رضایت تمامی ذینفعان بخصوص مشتریان متمرکز است ولی بیش از حد بر رقابت و محیط بازار پایه گذاری شده است.

۳. مدل تعالی بنیاد مدیریت کیفیت اروپا (EFQM) که یک وسیله عملی جهت کمک به سازمانها در اندازه گیری مقادیر موجود در مسیر تعالی دانستن فاصله‌ها شبیه سازی راه حلها و مشاهده پیشرفت به طور پیوسته می باشد. این مدل بیشتر بر ایده خود ارزیابی و تشخیص نقاط قوت و ضعف از طریق معیارهای کلیدی تاکید دارد و بسیاری از کشورهای اروپایی و غیر اروپایی از آن پیروی می کنند. از سوی دیگر تغییرات بوجود آمده در اقتصاد جهانی تلاشهای انجام شده توسط سازمان تجارت جهانی WTO در راستای جهانی کردن اقتصاد و افزایش رقابت جهانی همه کشورها (اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه) را به این باور رسانده است که برای حضور و بقا در بازارهای منطقه ای، جهانی و حتی داخلی باید بتوان قابلیت رقابت پذیری صنایع و سازمانهای خود را افزایش دهند. از این رو کشورهای مختلف مطالعات متعددی در زمینه شناسایی و اشاعه عوامل کلیدی و مفهومی سازمانها بمنظور بهبود عملکرد خود انجام داده اند (امیران، ۱۳۸۴).

جوایز ملی کیفیت و مدل‌های تعالی سازمانی حاصل این مطالعات و تحقیقات است و بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در سالهای اخیر آن را در سطح سازمانهای کسب و کار خود جاری ساخته اند. جایزه دمی‌نگ در ژاپن (۱۹۵۱) جایزه کیفیت کانادا (۱۹۸۳) جایزه مالکوم بالدريج آمریکا (۱۹۸۷) جایزه کیفیت استرالیا (۱۹۸۷)، جایزه کیفیت اروپا (۱۹۹۱)، جایزه کیفیت راجیوگاندی هند (۱۹۹۱) و بالاخره جایزه کیفیت ایران (۲۰۰۳) نمونه‌هایی از تلاشهای انجام شده در این زمینه است (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۵).

مراکز آموزش کشاورزی با ۳۴ مرکز آموزشی و ۴۴۳۰ نفر کادر اداری و آموزشی (شاغلین مراکز و کارشناس و عضو هیات علمی) با پراکندگی جغرافیایی بسیار بالا که در سرتاسر کشور گسترده شده اند، که به نوعی موتور محرکه بخش عظیمی از فعالیتهای اقتصادی و خدماتی و کشاورزی در کشور می باشند. از سوی دیگر با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه مراکز آموزش کشاورزی در توسعه آموزش کارآفرینی در عرصه کشاورزی، مساله اصلی این پژوهش اینست که، مدل تعالی آموزش کارآفرینی کشاورزی مراکز آموزش جهاد کشاورزی کدام است. با توجه به مساله اساسی این پژوهش، هدف اصلی این تحقیق ارائه مدل تعالی آموزش کارآفرینی کشاورزی مراکز آموزش جهاد کشاورزی می باشد. با توجه به مساله اساسی این پژوهش و هدف اصلی آن در زیر مهمترین پیشینه‌های تجربی مرتبط با این تحقیق ارائه شده است.

در پژوهشی Magnaye, 2019 به بررسی "محیط زیست هوشمند کشاورزی و موفقیت گردشگری: استراتژی کارفرینی برای پایداری مردم محلی در جهت حمایت از تنوع زیستی در فیلیپین" پرداخت. طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی که باعث تولید درآمد می‌شود، فشارهای انسانی را ایجاد می‌کند که موجب تنزل زیستی و از دست دادن زیستگاه، تخریب سریع منابع طبیعی، آلودگی محیط زیست و تغییرات آب و هوایی می‌شود. برای جلوگیری از نگرانی از تخریب محیط زیست، شرکت‌های کارآفرین پروتئین بیولوژیکی در فیلیپین ترویج و حمایت می‌شوند. این شرکت‌ها از طریق تصویب شیوه‌های استفاده پایدار و استفاده از منابع بیولوژیکی به منظور به اشتراک گذاشتن مزایای عادلانه، تنوع زیستی را حفظ می‌کنند. در این مدل کشاورزی ارگانیک به عنوان یک شرکت زیست محیطی در نظر گرفته می‌شود. این طبقه بندی توسط وزارت کشاورزی فیلیپین تحت عنوان آب و هوای هوشمند کشاورزی (Climate Smart Agriculture) طبقه بندی شده است. CSA شامل استفاده از اصول هوشمندانه آب و هوا در کشاورزی برای افزایش بهره‌وری و درآمد، ایجاد مقاومت در برابر تغییرات آب و هوایی و کاهش یا حذف انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. تعدادی از روستاییان کارآفرین کشاورزی agri-entrepreneurs در فیلیپین، عملیات مزرعه خود را با فعالیت‌های آموزش گردشگری یا "گردشگری-کشاورزی" گردشگری روستایی یا کشاورزی (rural tourism or agri-tourism) تکمیل می‌کنند. این جایی است که گردشگران از جمله کارآفرینان و متخصصان فناوری، از یک مزرعه کشاورزی برای شرکت در تجارب یادگیری، ملاقات با کشاورزان و شناخت فرهنگ و شیوه‌های تولید و بازاریابی مواد غذایی بازدید می‌کنند. گردشگری کشاورزی برای کشاورزان درآمد حاصل از فروش محصولات کشاورزی را ارتقاء می‌دهد. در این پژوهش پیشنهاد شده است در جهت تقویت آموزش کارآفرینی کشاورزی بر ارتقاء برنامه ریزی توسعه روستایی و برنامه ریزی استراتژیک و ایجاد نظام ارزیابی و اخذ بازخوردهای لازم توجه گردد.

در پژوهشی دیگر Urban And Chantson, 2019 به بررسی "کارآفرینی دانشگاهی در آفریقای جنوبی: آزمونی برای اهداف کارآفرینی" پرداختند. شناخت اهمیت کارآفرینی دانشگاهی که بطور مداوم در حال افزایش است، ما تجربی تئوری رفتار برنامه ریزی شده (theory of planned behavior) را با ترکیب عوامل نهادی و سازمانی تست و گسترش می‌دهیم. ما یک نمونه از دانشمندان تحقیقاتی در آفریقای جنوبی را جمع‌آوری می‌کنیم و یک نظرسنجی را برای تجربی فرضیه‌های مطالعه با مدل سازی معادلات ساختاری انجام می‌دهیم. مهم این است که آنچه که نتایج این تحقیق را جدا از مطالعات قابل مقایسه در مورد اهداف کارآفرینی تعیین می‌کند، تسلط نگرش نسبت به رفتار دیگران است. این اثر نشان می‌دهد که آگاهی و در معرض انواع مختلف کارآفرینی، نقش مهمی در شکل دادن باورها و نگرش نسبت به کارآفرینی دانشگاهی ایفا می‌کند. با ادغام پیش‌بینی‌کننده‌های مختلف از اهداف کارآفرینی به یک چارچوب همبستگی، سیاست‌گذاران می‌توانند بهتر از ماهیت تکمیلی متغیرهای فردی و زمینه‌ای که اهداف کارآفرینی را تحت تاثیر قرار می‌دهند، درک کنند. سهم بیشتری از مطالعه ما مربوط به شواهد تطابق نظریه رفتار برنامه ریزی شده در توضیح قصد کارآفرینی در زمینه کارآفرینی دانشگاهی آفریقای جنوبی است. چنین شواهدی به ویژه در هنگام در نظر گرفتن این که تحقیقات گذشته معمولاً فرض می‌شود، اما آزمون نمی‌کند که

نظریه‌ها می‌توانند از شرایط توسعه یافته به کشور در حال ظهور منتقل شوند. در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد، مهمترین مولفه‌های کارآفرینی دانشگاهی شامل: منابع انسانی، قوانین و مقررات، زیرساخت‌های فناوری، ارتباط دانشگاه با صنعت، حمایت‌های دولتی و همکاری‌های بین دانشگاهی می‌باشند.

در پژوهشی Nisula and pekkola, 2019 به بررسی "محیط یادگیری کسب و کار مبتنی بر ERP به عنوان یک زیرساخت مرزی در یادگیری کسب و کار" پرداختند. انتقادی که به آموزش کسب و کار وارد است اینست که این نوع آموزش تنها متمرکز بر آموزش نظری و تا حدی غیر کاربردی است. برای پاسخ به این انتقادات، انواع مختلفی از محیط‌های یادگیری تجربی، مانند کار با دست، شبیه‌سازی کامپیوتری و سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP) استفاده شده است. در این مقاله، بررسی شده است که یک محیط یادگیری جامع، ترکیب یک مدل سازمانی عمل، یک سیستم ERP و یک شبیه‌سازی، نتایج یادگیری را بهبود می‌بخشد و به چرایی آن می‌پردازد. این یک مطالعه سالانه طولانی مدت برای مقایسه نتایج یادگیری از محیط یادگیری جامع با مدل سازمانی عملیاتی ارائه داده است. یافته‌های نشان دهنده بهبود در زمینه‌های مختلف طبقه بندی بلوم است. در جهت بهبود یادگیری کسب و کار نتایج نشان داد ضروری است مولفه‌های ذیل در آموزش مد نظر قرار گیرد: حوزه شناختی اهداف آموزشی شامل: دانش، فهمیدن، کار بستن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی. در حوزه عاطفی اهداف آموزشی شامل: دریافت کردن (توجه کردن)، پاسخ دادن، ارزش گذاری، سازمان دادن ارزش‌ها، تشخیص دادن به وسیله یک ارزش یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها. و در حوزه روانی- حرکتی اهداف آموزش شامل: مشاهده و تقلید کردن، مستقل اجرا کردن، دقت کردن همراه با سرعت، با هماهنگی انجام دادن و عادی شدن می‌باشد. این مقاله پیشنهاد می‌کند پیشرفت‌ها به سبب محیط یادگیری جامع به عنوان زیرساخت مرزی عمل می‌کنند که در آن مدل سازمانی تمرین، شبیه‌سازی و سیستم ERP، انواع مختلفی از اشیاء مرزی هستند. این زیرساخت مرزی به عنوان نقطه‌ای از تعامل و ارتباطات عمل می‌کند و دانشجویان و معلمان را قادر می‌سازد تا مرزهای اجتماعی، فرهنگی و مفهومی را بین جوامع مختلف تمرین، و مهمتر از همه، بین نظریه و عمل، پیوند دهند.

در پژوهشی Shah,shahjehan, and afsar, 2019 به بررسی "عوامل تعیین کننده فرهنگ دانشگاهی کارآفرینی تحت شرایط بحرانی: یافته‌های یک کشور در حال توسعه" پرداختند. کشور مورد مطالعه در این پژوهش کشور پاکستان بوده است. این تحقیق کیفی، فرهنگ‌های کارآفرینی دانشگاه‌های خصوصی و دولتی را در یک اقتصاد درگیر در مشکلات مانند پاکستان بررسی می‌کند و از طریق ارتباط بین عوامل داخلی و خارجی آن تحت تاثیر قرار می‌گیرد. امروزه، فرهنگ کارآفرینی به عنوان یکی از اجزا و خرده فرهنگ‌های اصلی جوامع توسعه یافته محسوب می‌شود. کشورها از طریق تاکید بر توسعه و نهادینه کردن این شکل از فرهنگ، در پی ایجاد و گسترش بستر مناسب به منظور فعالیت اثربخش کارآفرینان و شرکت‌های کارآفرین مبتنی بر دانش و فناوری هستند تا قادر گردند در مسیر توسعه ملی گام‌های موثری بردارند. فرهنگ کارآفرینی در راستای تکمیل چرخه ایده تا ثروت یا فرایند تبدیل دانش به فناوری و سپس محصول یا خدمت در جامعه است تا از آن طریق، فرایند توسعه ملی تسهیل و تسریع شود. مولفه‌های اساسی فرهنگ کارآفرینی را می‌توان شامل خلاقیت، نوآوری، فناوری و دانش کاربردی در راستای حل مشکلات کشور و ارتقای رفاه آحاد جامعه مطرح نمود. این پدیده از طریق دیدگاه‌ها و درک بازیگران اجتماعی مورد

بررسی قرار می‌گیرد که از طریق ۳۲ مصاحبه با اعضای هیات علمی ۴ دانشگاه و ۴ دانشگاه خصوصی در سطح ملی تجربه می‌کنند. رویکرد مدل بالا به پایین، مدل رهبری چشم‌انداز که توسط رهبران چشم‌انداز هدایت شده بود، قابل اعتمادتر بود و در ارتقاء فرهنگ کارآفرینی، به جای رویکرد مدل پایین دانشگاه و فشار، پیشنهاد شد. علاوه بر این، برای دستیابی به فرهنگ‌های کارآفرینی، دانشگاه‌های خصوصی با انگیزه‌های سود محرک می‌شوند، در حالی که روش‌های اداری مانع از آن می‌شود. چارچوب پیشنهادی به منظور تطبیق فرهنگ کارآفرینانه و عوامل اصلی آن تحت شرایط نامساعد رهنمودهای تجربی را ارائه می‌دهد.

در پژوهشی دیگر Urbano and Aparicio and Audretsch, 2019 به بررسی "بیست و پنج سال تحقیق در مورد موسسات، کارآفرینی و رشد اقتصادی: آنچه آموخته شده است؟" پرداختند. این مقاله یک جریان ناپایدار تحقیق را به بررسی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های کارآفرینی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی می‌پردازد. این تجزیه و تحلیل یکپارچه سازی که طیف وسیعی از ادبیات گوناگون را ایجاد می‌کند، تمایز بین دو خط تحقیق مختلف در زمینه کارآفرینی را ایجاد می‌کند. یافته‌های این مطالعه بر مبنای مقالات مجلات موجود در پایگاه داده وب، موجب درک بیشتر در مورد دو خط جداگانه تحقیق می‌شود که به تجزیه و تحلیل تعامل میان نهادها، کارآفرینی و رشد اقتصادی کمک می‌کند. تجزیه و تحلیل ادبیات سیستماتیک در ۲۵ سال گذشته (۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶) تحقیق نشان می‌دهد که موسسات می‌توانند با رشد اقتصادی از طریق کارآفرینی رابطه ای داشته باشند که می‌تواند سوالات تحقیق جدیدی را در خصوص اینکه عوامل سازمانی برای کارآفرینی منجر به رشد اقتصادی می‌شود، فراهم می‌کند. بنابراین، نه تنها شناختن روابط پیچیده و توالی احتمالی آنها برای برنامه ریزی استراتژیک و سیاست‌های عمومی، بلکه برای پیشرفت و ارائه دیدگاه‌های جدید در این زمینه‌های تحقیقاتی، که می‌تواند مکمل و بین رشته ای باشد، مفید است. در پژوهشی دیگر ni, 2018 به بررسی "اهداف آموزش کارآفرینی: بررسی اهداف کارآفرینی دانش آموزان مدارس متوسطه فنی و حرفه ای در چین" پرداخت. بر اساس نظریه سرمایه انسانی کارآفرینانه، این مطالعه از پرسشنامه ۷۳۰ دانش آموز مدارس متوسطه فنی و حرفه ای برای بررسی وضعیت تحصیلی کارآفرینی و تأثیر آموزش کارآفرینی، دانش کارآفرینی و توانایی‌های کارآفرینی در قصد کارآفرینی استفاده می‌کند. نتایج مطالعات زیر نشان می‌دهد. اولاً میزان مشارکت آموزش کارآفرینی در مدارس متوسطه فنی و حرفه ای بسیار بالاتر از همتایان (مدارس نظری) است و بیش از نیمی از دانش آموزان مدارس متوسطه فنی که از تحصیلات کارآفرینی از انواع گوناگون مطلع شده اند. دوم، دانش آموزان خود را با صلاحیت و قصد کارآفرینی نسبتاً بالایی ارزیابی کردند، هرچند که به دانش غیرآزاد و آموزش کارآفرینی پاسخ دادند. سوم، انگیزه و رهبری، و همچنین دانش سازمانی، نقش میانجی را ایفا می‌کنند که از طریق آن آموزش و پرورش کارآفرینی بر روی قصد کارآفرینی تأثیر می‌گذارد و نشان دهنده دو نوع سرمایه دانش انسانی کارآفرینی و مهارت کارآفرینی است. در نهایت مفاهیم اجرای آموزشی مؤثر کارآفرینی پیشنهاد گردید. کارآفرینی آنچه را اتفاق می‌افتد توضیح می‌دهد و گرایش به کارآفرینی توصیف می‌کند که چطور ورود به بازارهای جدید و ارائه محصولات جدید می‌تواند تداوم داشته باشد؛ همین‌طور گرایش به کارآفرینی انتقال از سطح فردی به سطح سازمانی است. بنابراین، دیدگاه مهمی که فرآیند کارآفرینی را به استراتژی‌های سازمان پیوند می‌دهد گرایش به

کارآفرینی است. براساس این نظر، هر سازمان طیفی از حالت انفعال یا محافظه‌کار تا جسور و تهاجمی یا کارآفرین بودن را دربرمی‌گیرد. زمانی که سازمان جسور و تهاجمی است نوآوری، ابتکارعمل و ریسک‌پذیری از جمله استراتژی‌های سازمان محسوب می‌شود و سازمان بر شناسایی فرصت‌ها، ارزیابی و بهره‌برداری از آن تاکید می‌کند، اما سازمان‌های منفعل چنین ویژگی‌هایی را ندارند. سازمان‌هایی که بر فرآیند کارآفرینی تاکید دارند استراتژی‌های سازمانی‌شان نوآوری، ابتکارعمل و ریسک‌پذیری است. سازمان‌هایی که گرایش به کارآفرینی دارند در طیف رقابت تهاجمی قرار دارند و دارای ویژگی‌هایی نظیر میزان تعهد منابع، سازمان ریسک‌های مرتبط با تخصیص منابع جهت دستیابی به نوآوری و بهبود سهم بازار هستند. نوآور بودن به تلاش‌هایی جهت تفکر، خلاقیت، نوگرایی، رهبری تکنولوژیک در محصولات و فرآیندها اشاره دارد. همچنین ابتکار عمل و ریسک‌پذیری و استقلال عمل به اقدامات افراد یا تیم‌هایی اشاره دارد که تمایل به راه‌اندازی مفهوم ایده یا بینش کسب‌وکار جدید دارند.

در پژوهشی Scalfi Eghenter, 2018 به بررسی "خلاقیت سازمانی، بازی و کارآفرینی" پرداخته است. خلاصه این تحقیق به دنبال آن است که تمرین هنری به عنوان یک ابزار تحقیق تجربی به کار می‌رود که به عنوان یک مولفه ضروری و تعیین کننده، شناسایی ماهیت سازمانی زمینه‌ای که در آن عمل می‌کند، به دست می‌دهد. قاب هنری اجازه می‌دهد تا فرصت استثنایی در حال توسعه آزمایش در فضاهای زندگی روزمره، بر اساس قوانین عملیاتی خود عمل می‌کند. در پاسخ به تجزیه و تحلیل زمینه، یک «آنالوگ سازمانی» تصور می‌شود و به عنوان یک اثر هنری ارائه می‌شود. "مشابه" یک نمایش یا عملکرد نیست، بلکه این فرض، از طریق مینیمیز زبانی، یک شی از پیش موجود است که شکل آن تغییر است. این محصول در مرز زبان که از طریق آن تعامل می‌گیرد، ارزیابی می‌شود، به این ترتیب اجزای محیط را برای مذاکره در مورد اهمیت آن ارزیابی می‌کند. یک رویکرد آزمایشی که بر اساس آن در یک زمینه می‌تواند یک بازی را پیدا کند تا زمینه، قوانین و بازیکنان را شناسایی کند. یک عمل هنری سازمانی از بازی که دارای پیامدهای قانونی، اقتصادی و هویت است.

در پژوهشی Yunis, Tarhini, Kassar, 2017 به بررسی "نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات و نوآوری در ارتقای عملکرد سازمانی: تأثیرات کارآفرینی سازمانی" پرداخته اند. خلاصه این تحقیق به دنبال آن است که نوآوری‌ها و برنامه‌های کاربردی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) باعث شده است که عملکرد سازمانی، رشد اقتصادی و تغییرات اجتماعی افزایش یابد. با این حال، اگر چه تحقیقات علمی مرتبط با این حوزه به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است، اهمیت عوامل مکمل مانند کارآفرینی سازمانی در افزایش تاثیر نوآوری‌های تکنولوژیکی بر عملکرد سازمانی هنوز مورد توجه قرار نگرفته است. این مقاله چارچوبی را طراحی و ترسیم می‌کند که ماهیت رابطه بین پذیرش / استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و عملکرد سازمانی در بازار لبنان را بررسی و بررسی می‌کند، با توجه به تاثیراتی که کارآفرینی سازمانی می‌تواند بر این رابطه داشته باشد. نرم افزار پی ال اس برای آزمون روابط پیشنهادی همراه با اهمیت تأثیر میانجی کارآفرینی شرکتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل چند گروهی نیز برای بررسی تاثیر سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدل انجام شده است. مدل پیشنهادی ثابت شده است که مناسب است، فرضیه‌ها پشتیبانی می‌شوند و مفاهیم مورد بحث قرار می‌گیرند.

در پژوهشی Gupta, Wales, 2017 به بررسی "ارزیابی عملکرد سازمانی در تحقیقات جهت گیری کارآفرینی: از اینجا به کجا می توانیم برویم" پرداخته اند. خلاصه این تحقیق به دنبال آن است که عملکرد شرکت جنبه حیاتی تحقیق در ادبیات کارآفرینی (EO) است. با این حال، تنها توجه محدود به بررسی محدوده اهداف عملکرد و ملاحظات در ادبیات EO اختصاص داده شده است. در نتیجه، تمایلات و تعصبات در عملکرد شرکت در مطالعات EO به خوبی درک نمی شود. در این مطالعه، بررسی عملکرد شرکت در یک نمونه ۲۵ ساله تحقیق EO مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل علمی ما نشان می دهد تمایل به توسعه اقدامات ترکیبی جدید در عملکرد در ادبیات EO. علاوه بر این، درک محدودی از اثرات عملکرد عملیاتی در نمونه نشان داده شده است. در نهایت، ما یک نیاز حیاتی را برای بررسی عواقب عملکرد سخت تر تعریف شده از EO مشاهده می کنیم. مفاهیم و دستورالعمل های پژوهشی آینده مورد بحث قرار می گیرد.

در پژوهشی Fortwengel, Jackson, 2016 به بررسی "تضمین کارآموزی در محیط دور: کارآفرینی نهادی از طریق شبکه های سازمانی" پرداخته اند. خلاصه این تحقیق به دنبال آن است که می پرسد چگونه شرکت های چند ملیتی (MNEs) در کارآفرینی نهادی شرکت می کنند تا موفق به انتقال کارآموزی آموزش کارآموزی از اروپای قاره ای به محیط میزبان دورافتاده ایالات متحده شوند. در مطالعه موردی ما نقش مهم شبکه های سازمانی را برای هماهنگی تعامل با ستون های شناختی، هنجاری و مقررات نهادهای میزبان کشور برجسته می کنیم. این شکل شبکه کارآفرینی نهادی، تشکیل شبکه های بین سازمانی را به منظور ایجاد هماهنگی تغییرات نهادینه می کند. در روند انتقال کارآموزی، دیدگاه خاصی از آموزش نیروی کار ایجاد شد، حمایت از جمع آوری شده، و تغییرات نهادی در مورد موضوع آموزش به طور محلی ادامه یافت. ما همچنان استدلال می کنیم که کارآفرینی نهاد شبکه ای یک ابزار استراتژیک مفید برای غلبه بر نوع خاصی از فاصله نهادی بین تنظیمات سازمانی اقتصادهای هماهنگ بازار (CME) و اقتصادهای لیبرال بازار سرمایه (LMEs) است. ما با شناخت موجود، نشان می دهیم که چگونه انتقال تمرین با نوع خاصی از فاصله نهادی شکل گرفته است و نقش شبکه های بین سازمانی را به عنوان راهی برای مدیریت آژانس های دسته جمعی مرتبط با کارآفرینی نهادی و ظهور پروتئین های محلی جدید، تأکید می کند.

Ussman, 2015 در مقاله ای با عنوان دانشگاه و توسعه کارآفرینی بیان می دارد که تاسیس شرکت، کاری بنیادی در رونق اقتصادی در اقتصادهای توسعه یافته و همچنین در اقتصادهای در حال ظهور است که بستگی به دو عامل دارد: فضای عمومی و فضای فردی. لازم است که فردی با انگیزه و توانایی، فرایند تاسیس را آغاز کند اما این فرد نیازمند فضایی است که فعالیتش را تسهیل کند. دانشگاه باید نقش مهمی را در فرایندی ایفا کند که کارآفرینی را در دانشجویان، از طریق بازنگری برنامه های آموزشی در طی مراحل تحصیل و همچنین از طریق شرکت فعال در مجموعه ای از اقدامات که آنها را وادار به تماس با شرکت ها می کند، تسهیل گرداند. ما نمی توانیم دانشجویان را برای آینده بر مبنای دانش گذشته آماده کنیم و باید فرض کنیم که آنها با چالشهایی مواجه خواهند شد که برای ما ناشناخته است. لذا باید دانش خود را به آنها ارائه دهیم و مهارت هایی را برای یادگیری بدون ما، به آنها بیاموزیم.

مکتبی و باباخانیان (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی "شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی سازمانی در دانشکده‌های تحصیلات عالی سما" پرداخته اند. خلاصه این تحقیق به دنبال آن است که امروز، این سازمان‌ها قادر به زنده ماندن هستند که دینامیک هستند و قادر به نشان دادن پاسخ مناسب در هر زمان و در برابر هر گونه تغییر، تطبیق پذیری و انعطاف پذیری هستند. برای رسیدن به این هدف، توجه به کارآفرینی سازمانی ضروری است. محققان نظیر جنجیر و بورگمن، کارآفرینی سازمانی را به عنوان فعالیت کارآفرینی در نظر می‌گیرند. برای اجرای فعالیت خلاقانه به شکل محصول، فرایند و نوآوری سازمانی. در حال حاضر، برای انتخاب یک مدرسه فنی توسط سازمان سما دانشگاه آزاد اسلامی که حداقل یک محصول مورد نیاز مدارس دیگر را تولید می‌کند، انجام می‌شود. بدین ترتیب شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی از دیدگاه اعضای هیات علمی و کارکنان، باعث می‌شود مدارس دیگر به عنوان کارآفرین با تغییر ساختار، فرایندها و رویه‌ها به کار گرفته شوند. بر اساس نتایج مطالعه حاضر که براساس مدل توزیع و با استفاده از ضریب پیرسون مشاهده شد، در مدارس انتخابی ساما، بین متغیرهای رفتاری، ساختاری و محیطی و کارآفرینی همبستگی مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش استفاده از این پارامترها، کارآفرینی سازمانی افزایش می‌یابد. به منظور اولویت بندی اجزاء هر یک از سه عامل، وزن این عوامل با استفاده از آزمون فریدمن، در نهایت به ترتیب عوامل ساختاری، رفتاری و محیطی رسید.

نادری و رستمی (۱۳۹۷) در پژوهشی به تحلیل راهبردی توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه) پرداختند. امروزه توسعه کارآفرینی سبز می‌تواند نقش مهمی در اشتغال زایی پایدار، کاهش مشکلات زیست محیطی، کاهش بیماری‌های ناشی از مصرف مواد غذایی ناسالم و بهره‌وری بیشتر زمین‌های کشاورزی داشته باشد. لذا هدف اصلی پژوهش تحلیل راهبردی توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی شهرستان کرمانشاه بود. این پژوهش از لحاظ نوع هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، در گروه تحقیقات توصیفی - تحلیلی با استفاده از رویکرد ترکیبی (SWOT-AHP) می‌باشد. در بخش کیفی از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی بهره‌گرفته شد که پس از انجام ۱۴ مصاحبه از متخصصان حوزه کارآفرینی سبز و کشاورزی، اشباع نظری حاصل گردید و در بخش کمی نیز به ۵ نفر از همان متخصصان بخش کیفی، پرسشنامه مقایسات زوجی داده شد تا به هر یک از عوامل SWOT و راهبردهای استخراج شده وزن بدهند. نتایج به دست آمده نشان داد که فرایند توسعه کارآفرینی سبز در شهرستان کرمانشاه نیازمند راهبرد محافظه کارانه و رقابتی است و به ترتیب راهبردهای "ترویج محصولات ارگانیک و سالم از طریق رسانه‌های جمعی و گروهی و آموزشی و آموزش‌های هدفمند در تمام مقاطع تحصیلی"، "تشکیل سازمان متولی و تأیید کننده محصولات ارگانیک و سالم با قدرت اجرایی کردن مصوباتشان" و "آموزش کشاورزان درباره کارآفرینی سبز" بیشترین اهمیت را برای توسعه کارآفرینی سبز داشته‌اند.

رحمانیان کوشککی، مهدی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به "بررسی توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش علمی - کاربردی کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه، استان فارس)" پرداختند. مطالعه حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ کنترل متغیرها از نوع توصیفی - همبستگی بوده، که به روش پیمایشی انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه در بردارنده ۱۰۱۸ نفر از دانشجویان مراکز علمی - کاربردی کشاورزی استان فارس (شیراز، جهرم، علی‌آباد کمین و مرودشت) در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۸ بودند که بر اساس

فرمول کوکران، تعداد ۱۷۸ نفر از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی انتخاب شدند. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بود. روایی صوری پرسشنامه توسط تعدادی از اساتید ترویج و آموزش کشاورزی تأیید گردید و برای تعیین میزان پایایی بخش‌های مختلف از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن بالاتر از ۰/۷۱ برآورد گردید. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS17 بهره برده شد. نتایج حاصل از همبستگی بین متغیرها، ارتباط مثبت و معنی داری را بین توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان با متغیرهای عوامل آموزشی، سازمانی و روحیه کارآفرینی نشان داد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای عوامل آموزشی، سازمانی و روحیه کارآفرینی به ترتیب به عنوان مهم ترین عوامل تأثیرگذار، در مجموع ۳۵/۷ درصد از تغییرات متغیر توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان در مراکز علمی - کاربردی کشاورزی را تبیین کرده اند. در انتهای مقاله نیز به منظور افزایش توانمندی کارآفرینانه دانشجویان مراکز علمی - کاربردی کشاورزی در استان فارس، پیشنهاداتی ارائه گردیده است.

بادسار، محمد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی "نقش میانجی عزت نفس در تحلیل عوامل مؤثر بر قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه زنجان)" پرداختند. تحقیق توصیفی - همبستگی حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر قابلیت‌های کارآفرینی با تأکید بر نقش میانجی عزت نفس در میان دانشجویان کشاورزی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۳۹۰ نفر از دانشجویان سال آخر کارشناسی رشته‌های کشاورزی دانشگاه زنجان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود که با توجه به جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۲۰۰ نفر از آن‌ها از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (بر حسب جنسیت) انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری گردید. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه زنجان مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار تحقیق نیز از طریق انجام پیش‌آزمون و محاسبه آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه (در دامنه بین ۰/۰۸ تا ۰/۸۹) ارزیابی و تصحیح گردید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین کنش علمی دانشجویان، عوامل محیطی، ویژگی‌های تلاش و نگرش نسبت به خود با قابلیت کارآفرینی آن‌ها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین، نتایج حاصل از آزمون اثر میانجی متغیر عزت‌نفس با استفاده از روش خودگردان‌سازی حاکی از آن بود که مجموع اثر غیرمستقیم کنش علمی، ویژگی‌های تلاش و نگرش نسبت به خود بر قابلیت کارآفرینی معنی دار می‌باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی از نوع پیمایشی به شمار می‌آید. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۴ مرکز آموزشی با ۴۴۳۰ نفر از شاغلین مراکز آموزش جهاد کشاورزی در سال ۱۳۹۷ می‌باشند، که با در نظر گرفتن جدول مورگان نیاز به ۳۵۴ نفر نمونه می‌باشد که بصورت تصادفی ساده اقدام به انتخاب نمونه مورد پژوهش شده است. در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته ۶۴ گویه‌ای (برگرفته از پژوهش شمس و همکاران (۱۳۹۳)) استفاده شده است. در این پژوهش به منظور جمع‌آوری اطلاعات و تدوین ابزار پژوهش از روش ترکیبی استفاده شده است. روایی ابزار پژوهش با توجه به استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و با توجه به بکارگیری خبرگان و تأیید صوری ابزار پژوهش، روایی پرسشنامه بصورت صوری به

تأیید رسیده است. جهت تأیید پایایی ابزار پژوهش، پس از اخذ و تأیید روایی ابزار پرسشنامه موجود در اختیار ۳۰ نفر از اعضا جامعه مورد پژوهش قرار گرفت و در نهایت پایایی پرسشنامه نیز از طریق روش آلفای کرونباخ (با توجه به جدول زیر) به تأیید رسیده است.

جدول ۱: پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ

ردیف	مؤلفه	آلفای کرونباخ
۱	رهبری	۰/۷۵۹
۲	خط مشی و استراتژی	۰/۷۹۸
۳	کارکنان	۰/۹۰۱
۴	شراکت ها و منابع	۰/۹۰۸
۵	فرآیندها	۰/۷۹۶
۶	نتایج مشتری	۰/۸۲۳
۷	نتایج کارکنان	۰/۸۶۶
۸	نتایج جامعه	۰/۹۱۴
۹	نتایج کلیدی عملکردی	۰/۷۹۶
	کل پرسشنامه	۰/۹۵۳

یافته‌ها و بحث

در این بخش آزمون‌های آماری استنباطی مرتبط با سوالات پژوهش ارائه شده است. برای شروع ابتدا نیاز به تعیین توزیع داده‌های آماری مورد پژوهش می‌باشد. برای تعیین توزیع داده‌های آماری از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

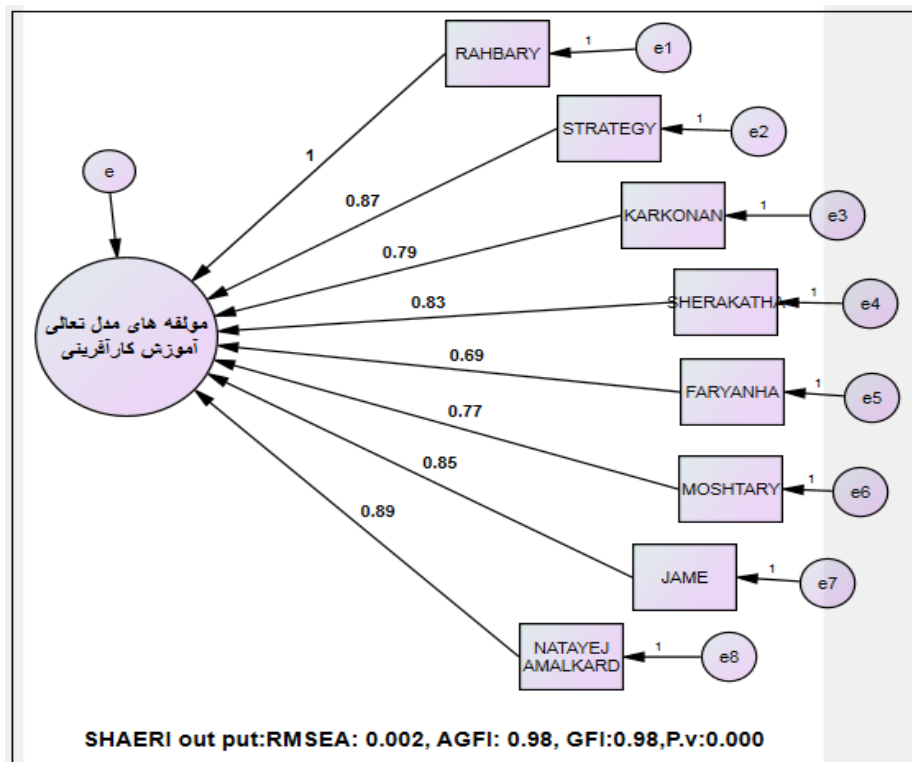
ردیف	مؤلفه	تعداد	میانگین	Z	سطح معنی داری
۱	رهبری	۳۵۴	۱۶/۲۴	۱/۰۸	۰/۰۸۸
۲	خط مشی و استراتژی	۳۵۴	۱۳/۳۱	۱/۲۹	۰/۱۰۴
۳	کارکنان	۳۵۴	۱۷/۴۹	۱/۴۲	۰/۰۶۹
۴	شراکت ها و منابع	۳۵۴	۱۳/۲۲	۱/۱۱	۰/۰۶۶
۵	فرآیندها	۳۵۴	۱۶/۰۹	۱/۰۸	۰/۱۰۸
۶	نتایج مشتری	۳۵۴	۱۳/۲۴	۱/۱۴	۰/۱۱۷
۷	نتایج کارکنان	۳۵۴	۴۹/۸۳	۱/۲۳	۰/۰۸۱
۸	نتایج جامعه	۳۵۴	۲۲/۹۷	۱/۰۶	۰/۱۰۹
۹	نتایج کلیدی عملکردی	۳۵۴	۳۹/۱۴	۱/۴۱	۰/۰۹۴

بر اساس جدول بالا در خصوص توزیع نمره‌های نمونه مورد پژوهش، شاخص‌های مختلف توصیفی آنها نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه نرمال یا نزدیک به نرمال است. چرا که احتمال معنی داری در مولفه‌های پژوهش از سطح معنی داری ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها پذیرفته می‌شود. گذشته از این، با توجه به این شاخص‌های به دست آمده و نظر به این که مقیاس‌های اندازه‌گیری مولفه‌های مورد بررسی از نوع فاصله‌ای و در نتیجه داده‌های جمع‌آوری شده از نوع کمی هستند. در عین حال بر پایه قضیه حد مرکزی می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌های مولفه‌های هفتگانه مورد بررسی به توزیع نرمال میل دارد. بنابراین، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

سوال فرعی اول: مولفه‌های مدل تعالی آموزش کارآفرینی مراکز آموزش جهاد کشاورزی کدامند؟

در پاسخ به سوال فرعی اول از ادبیات و پیشینه تجربی ارائه شده و آزمون های آماری تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. در تحلیل عاملی تاییدی برای گزینش تعداد عامل ها، از ضریب مسیر ویژه هر عامل استفاده می شود. برای گزینش عوامل مورد بررسی، هر یک ضرایب مسیر در حالت استاندارد بالاتر از ۰.۴ باشد مورد تایید بوده و هر عامل که ضریب مسیر آن کمتر از ۰.۴ باشد حذف خواهد شد.

نتایج حاصل از اجرای آزمون مدل تاییدی مطابق نمودار بالا) نشان می دهد، کلیه پارامترهای مدل در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار دارند. مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ و شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) از ۰/۹ بیشتر هستند. در ضمن سطح معنی داری بدست آمده نیز از ۰/۰۵ کوچکتر است بنابراین می توان نتیجه گیری کرد، بر اساس نتایج حاصل از جمع آوری داده های پژوهش و مدل خروجی نشان می دهد ضرایب مسیر کلیه مولفه ها از ۰/۴ بزرگتر است، لذا کلیه مولفه های مدل تاییدی قابل پذیرش بوده اند. به بیان روشتر کلیه مولفه های مورد اشاره از مولفه های مورد تایید تعالی آموزش کارآفرینی کشاورزی در مراکز آموزش جهاد کشاورزی به شمار می آید.



نمودار ۲: مدل تاییدی مولفه های ارزیابی کارآفرینی سازمانی

سوال فرعی دوم: وضعیت مولفه های مدل تعالی آموزش کارآفرینی مراکز آموزش جهاد کشاورزی چگونه است؟

جدول ۳: آزمون t

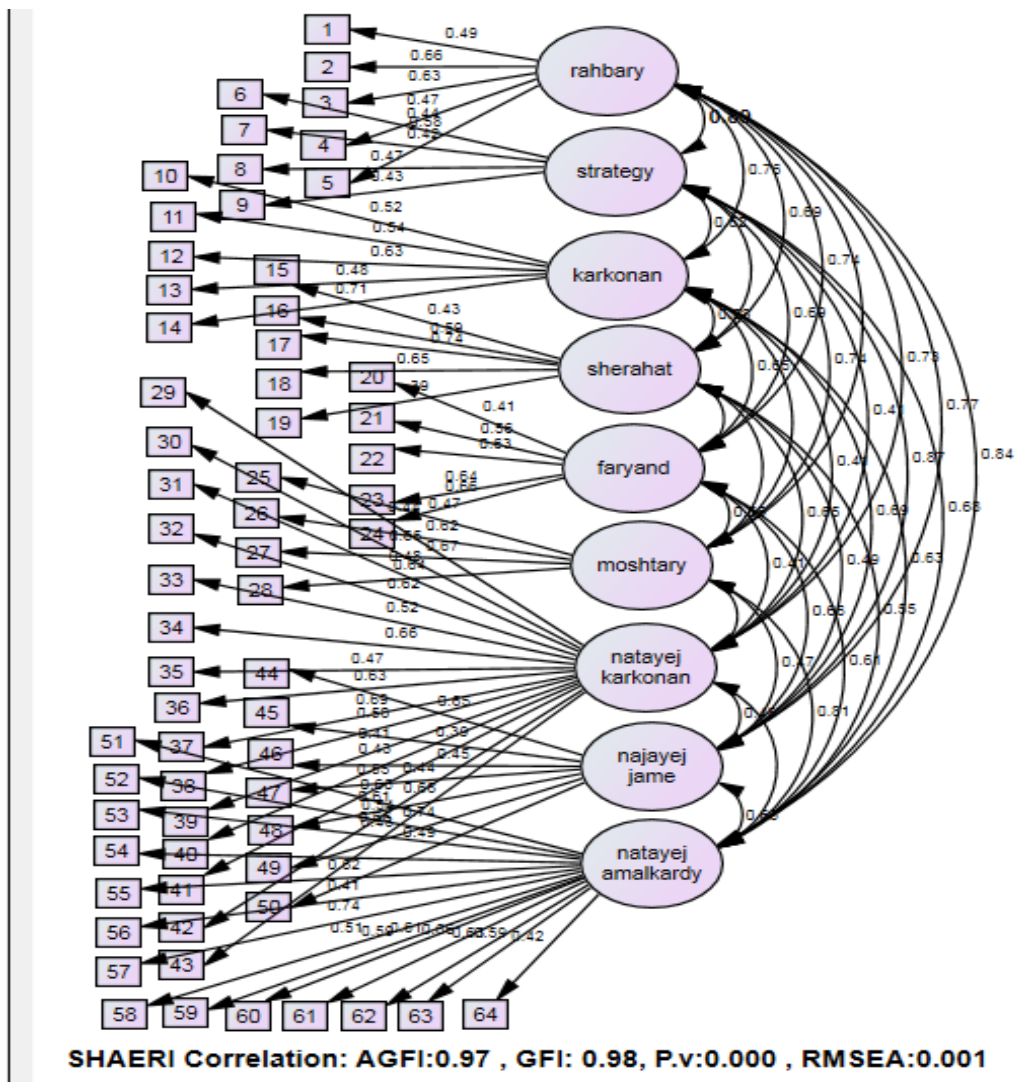
درجه آزادی	میانگین نظری	میانگین محاسبه شده	سطح معنی داری	تی	متغیر
۳۵۳	۱۵	۱۶/۲۴	۰/۰۰۳	۲/۹۷	رهبری
۳۵۳	۱۲	۱۳/۳۱	۰/۰۰۹	۳/۱۸	خط مشی و استراتژی
۳۵۳	۱۵	۱۷/۴۹	۰/۰۰۰	۳/۰۸	کارکنان

۳۵۳	۱۵	۰/۰۶۹	۱۳/۲۲	۱/۲۷	شراکت‌ها و منابع
۳۵۳	۱۵	۰/۰۰۴	۱۶/۰۹	۳/۶۶	فرآیندها
۳۵۳	۱۲	۰/۰۰۰	۱۳/۲۴	۴/۰۲	نتایج مشتری
۳۵۳	۴۵	۰/۰۰۱	۴۹/۸۳	۴/۶۷	نتایج کارکنان
۳۵۳	۲۱	۰/۰۰۰	۲۲/۹۷	۴/۸۹	نتایج جامعه
۳۵۳	۴۲	۰/۰۷۱	۳۹/۱۴	۱/۴۱	نتایج کلیدی عملکردی

نتایج حاصل از اجرای آزمون t (مطابق جدول شماره ۳) نشان می‌دهد، در سطح اطمینان ۹۹٪ و درجه آزادی (df=353) و سطح معنی داری و t محاسبه شده مولفه‌های رهبری، خط و مشی و استراتژی، کارکنان، فرآیندها، نتایج مشتری، نتایج کارکنان و نتایج جامعه در سطح بالاتر از متوسط و مطلوب قرار دارند. از سوی دیگر از نظر نمونه مورد پژوهش، مولفه‌های شراکت‌ها و منابع و نتایج کلیدی عملکردی نیز در وضعیت ضعیفی قرار دارند.

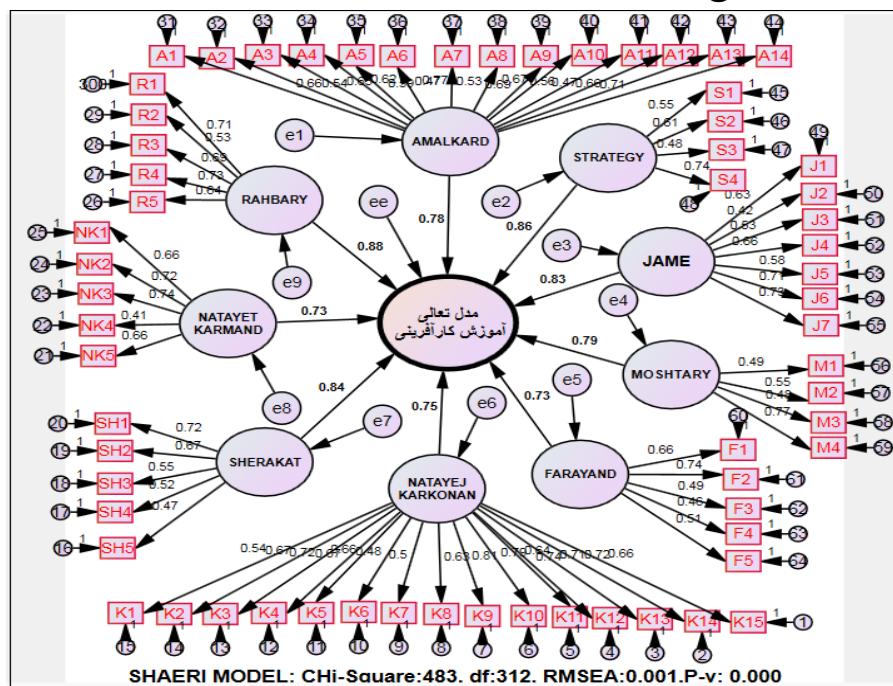
سوال فرعی سوم: بین مولفه‌های اصلی ارزیابی کارآفرینی سازمانی با تاکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

خروجی مدل همبستگی نشان می‌دهد، همبستگی درونی مولفه‌های اصلی تعالی کارآفرینی کشاورزی مورد تایید می‌باشد.



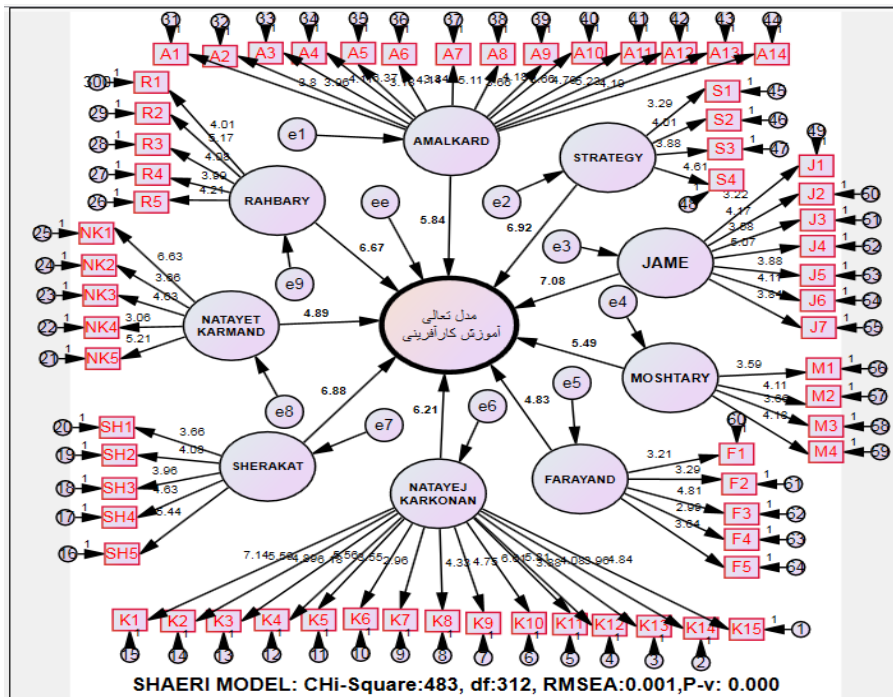
نمودار ۳: مدل نهایی همبستگی بین مولفه‌های مورد بررسی

سوال اصلی پژوهش (مدل مناسب ارزیابی کارآفرینی سازمانی مبتنی بر شاخص های تعالی سازمانی کدام است؟) معادلات ساختاری اثر بین مولفه ها و درون مولفه ها را نشان می دهد. این تاثیر به دو شکل استاندارد و غیر استاندارد قابل بررسی می باشد. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده بوسیله بار عاملی نشان داده می شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از $0/3$ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می شود. بار عاملی بین $0/3$ تا $0/6$ قابل قبول است و اگر بزرگتر از $0/6$ باشد خیلی مطلوب است. در نهایت مدل نهایی پژوهش به شرح نمودار های زیر می باشد:



نمودار ۴: مدل نهایی ساختاری در حالت استاندارد

نتایج حاصل از اجرای آزمون ساختاری و مدل نهایی ارزیابی کارآفرینی سازمانی مراکز آموزشی جهاد کشاورزی با تاکید بر شاخص های تعالی سازمانی نشان می دهد، مدل اکتسابی مورد تایید می باشد. در ضمن نتایج حاصل از اجرای مدل نهایی ساختاری نشان می دهد، بالاترین بار عاملی مربوط به مولفه رهبری ($0/88$) و در جایگاه دوم مولفه خط و مشی و استراتژی ($0/86$) و در جایگاه سوم مولفه شراکت ها و منابع ($0/84$) قرار دارد.



نمودار شماره ۵: مدل نهایی ساختاری در حالت غیراستاندارد

نتایج حاصل از آزمون ساختاری در حالت استاندارد و غیر استاندارد نشان می‌دهد، بارهای عاملی تمام مسیرها بالاتر از ۰/۳ قرار داشته و t محاسبه شده نیز از t جدول در تمام مسیرها بزرگتر بوده است. لذا با توجه به شاخصهای برازش مدل می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد، مدل نهایی ارزیابی کارآفرینی سازمانی مراکز آموزشی جهاد کشاورزی با تاکید بر شاخص های تعالی سازمانی مورد تایید می باشد.

یافته‌ها و بحث

نتایج حاصل از اجرای آزمون مدل تاییدی نشان می‌دهد، کلیه پارامترهای مدل در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار دارند. مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ و شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) از ۰/۹ بیشتر هستند. در ضمن سطح معنی داری بدست آمده نیز از ۰/۰۵ کوچکتر است بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد، بر اساس نتایج حاصل از جمع‌آوری داده‌های پژوهش و مدل خروجی نشان می‌دهد ضرایب مسیر کلیه مولفه‌ها از ۰/۴ بزرگتر است، لذا کلیه مولفه‌های مدل تاییدی قابل پذیرش بوده‌اند. به بیان روش‌تر کلیه مولفه‌های مورد اشاره از مولفه‌های متعلق به ارزیابی کارآفرینی سازمانی با تاکید بر شاخص های تعالی سازمانی به شمار می‌آید.

سوال فرعی دوم: وضعیت کارآفرینی سازمانی مراکز آموزشی جهاد کشاورزی با تاکید بر شاخص های تعالی سازمانی چگونه است؟ نتایج حاصل از اجرای آزمون t نشان می‌دهد، در سطح اطمینان ۹۹٪ و درجه آزادی (df=353) و سطح معنی داری و t محاسبه شده مولفه‌های رهبری، خط و مشی و استراتژی، کارکنان، فرآیندها، نتایج مشتری، نتایج کارکنان و نتایج جامعه در سطح بالاتر از متوسط و مطلوب قرار دارند. از سوی دیگر از نظر نمونه مورد پژوهش، مولفه‌های شراکت‌ها و منابع و نتایج کلیدی عملکردی نیز در وضعیت ضعیفی قرار دارند.

سوال فرعی سوم: بین مولفه‌های اصلی کارآفرینی سازمانی مراکز آموزشی جهاد کشاورزی با تاکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ نتایج حاصل از اجرای آزمون مدل اندازه‌گیری مطابق نمودار زیر نشان می‌دهد، کلیه پارامترهای مدل در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار دارند. مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ و شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) از ۰/۹ بیشتر هستند. در نهایت نتیجه خروجی مدل همبستگی نشان می‌دهد، همبستگی درونی مولفه‌های اصلی ارزیابی عملکرد مبتنی بر مولفه‌های تعالی سازمانی مورد تایید می‌باشد.

سوال اصلی پژوهش (مدل مناسب ارزیابی کارآفرینی سازمانی غیردولتی با تاکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی کدام است؟ معادلات ساختاری اثر بین مولفه‌ها و درون مولفه‌ها را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از اجرای آزمون ساختاری و مدل نهایی ارزیابی کارآفرینی سازمانی غیر دولتی با تاکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی نشان می‌دهد، مدل اکتسابی مورد تایید می‌باشد. در ضمن نتایج حاصل از اجرای مدل نهایی ساختاری نشان می‌دهد، بالاترین بار عاملی مربوط به مولفه رهبری (۰/۸۹) و در جایگاه دوم مولفه خط و مشی و استراتژی (۰/۸۵) و در جایگاه سوم مولفه شراکت‌ها و منابع (۰/۸۱) قرار دارد. نتایج حاصل از آزمون ساختاری و مطابق جدول حالت استاندارد و غیر استاندارد نشان می‌دهد، بارهای عاملی تمام مسیرها بالاتر از ۰/۳ قرار داشته و t محاسبه شده نیز از t جدول در تمام مسیرها بزرگتر بوده است. لذا با توجه به شاخصهای برازش مدل می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد، مدل نهایی ارزیابی کارآفرینی سازمانی غیر دولتی با تاکید بر شاخص‌های تعالی سازمانی شهر تهران مورد تایید می‌باشد. شاخص‌های برازش مقادیر مطلوبی را نشان می‌دهند. مقدار χ^2 - دو بهنجار نیز ۱/۱۶ بدست آمده است که در بازه مورد قبول ۱ تا ۳ قرار دارد. بنابراین مدل ساختاری از برازش مطلوبی برخوردار است. همچنین از آنجا که شاخص برازش RMSEA برابر ۰/۰۰۱ بدست آمده است که از مقدار ۰/۰۸ کوچکتر است، مدل از برازندگی خوبی برخوردار است. سایر شاخص‌های نیکویی برازش نیز در بازه مورد قبول قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

نتایج حاصل از اجرای این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پژوهش‌های مگنایه (۲۰۱۹) "محیط زیست هوشمند کشاورزی و موفقیت گردشگری: استراتژی کارفرینی برای پایبندی مردم محلی در جهت حمایت از تنوع زیستی در فیلیپین" و پژوهش اوربان و چانستون (۲۰۱۹) "کارآفرینی دانشگاهی در آفریقای جنوبی: آزمونی برای اهداف کارآفرینی" و پژوهش نیسولا و پکولا (۲۰۱۹) "محیط یادگیری کسب و کار مبتنی بر ERP به عنوان یک زیرساخت مرزی در یادگیری کسب و کار" و پژوهش شاه، شاه جهان و افسر (۲۰۱۹) "عوامل تعیین کننده فرهنگ دانشگاهی کارآفرینی تحت شرایط بحرانی: یافته‌های یک کشور در حال توسعه" و پژوهش اوربانو و آپاریسیو و اوتریچ (۲۰۱۹) "بیست و پنج سال تحقیق در مورد موسسات، کارآفرینی و رشد اقتصادی: آنچه آموخته شده است؟" و پژوهش نی (۲۰۱۸) "اهداف آموزش کارآفرینی: بررسی اهداف کارآفرینی دانش آموزان مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای در چین" و پژوهش اسکالفی اگتر (۲۰۱۸) "خلاصیت سازمانی، بازی و کارآفرینی" و پژوهش یونس و همکاران (۲۰۱۷) "نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات و نوآوری در ارتقای عملکرد سازمانی: تأثیرات کارآفرینی سازمانی" و پژوهش گوبتا و

والس (۲۰۱۷) " ارزیابی عملکرد سازمانی در تحقیقات جهت گیری کارآفرینی: از اینجا به کجا می‌توانیم برویم " و پژوهش فورونگل و جکسون (۲۰۱۶) " تضمین کارآموزی در محیط دور: کارآفرینی نهادی از طریق شبکه‌های سازمانی " پرداخته‌اند. و پژوهش عثمان (۲۰۱۵) دانشگاه و توسعه کارآفرینی و پژوهش مکتبی و باباخانیان (۲۰۱۵) " شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی سازمانی در دانشکده‌های تحصیلات عالی سما " در یک راستا می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از اجرای پژوهش و یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای کاربردی زیر مبتنی بر یافته‌های پژوهش ارائه شده است:

- ضروری است رهبران و مدیران ارشد مراکز آموزشی جهاد کشاورزی در جهت اعتلای مدل تعالی آموزش کارآفرینی کشاورزی شخصاً در ایجاد، توسعه و بکارگیری سیستم‌های مدیریت و بهبود مستمر آنها مشارکت نمایند.
- خط مشی و راهبرد سازمان براساس مدل تعالی آموزش کارآفرینی کشاورزی و نیازها و انتظارات حال و آینده ذینفعان ایجاد گردد و براساس اطلاعات حاصل از اندازه‌گیری عملکرد، تحقیقات، یادگیری و خلاقیت‌های کاری ایجاد شده است.
- در مراکز آموزشی جهاد کشاورزی، منابع انسانی: برنامه‌ریزی، مدیریت و بهبود یابند و دانش و شایستگی کارکنان شناسایی، توسعه و پشتیبانی و همچنین کارکنان تشویق به مشارکت شده و توان آنها افزایش یابد. همچنین کارکنان ساعی شناسایی و مورد قدردانی و توجه قرار می‌گیرند.
- یکی از مشکلات عمده مراکز آموزشی در کشور مشکلات مربوط به مدیریت بر ساختمانها، تجهیزات و مواد می‌باشد که ضروری است در خط و مشی کلی مراکز آموزشی جهاد کشاورزی گنجانده شود.
- فرآیندها با توجه به نیازها بهبود یافته و از نوآوریها بر روی آنها برای تأمین رضایت و ایجاد ارزش افزوده ذینفعان استفاده می‌شود. ارائه خدمات آموزشی براساس نیازها و انتظارات دانش دانشجویان و بخش کشاورزی طراحی و توسعه داده می‌شوند.
- ارتباطات دوستی و صمیمیت و وظایف اجتماعی و عمومی سازمان تقویت و به عملکرد سازمان بعنوان یک شهروند مسئول در مدل تعالی آموزش کارآفرینی توجه شود.
- ضروری است مراکز آموزشی جهاد کشاورزی در جهت تعالی آموزش کارآفرینی کشاورزی به مشارکت با انجمن‌ها و گروه‌های محلی و انجام فعالیت‌های زیست محیطی و حفظ منابع توجه بیشتری مبذول نمایند.

منابع

- احمدپورداریانی، م. (۱۳۷۸). کارآفرینی: تعاریف، نظرات و الگوها، تهران، نشر شرکت پردیس، چاپ پنجم. صص. ۱۲۵-۴۵.
- امیران، ح. (۱۳۸۴). راهنمای گام به گام سرآمدی سازمانی بر اساس مدل های EFQM و اینکا، انتشارات مشاورین کیفیت ساز، چاپ سوم.
- بادسار، م، رضایی، ر، فتحی، س و قاسمی، م. (۱۳۹۵). نقش میانجی عزت نفس در تحلیل عوامل مؤثر بر قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه زنجان)، دو فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۱۲، شماره ۱ بهار و تابستان، صص: ۱۳۳-۱۴۷.

- خراسانی، ا، عموزاده، م، ملامحمدی، ا. (۱۳۹۵). اعتباریابی مدل تعالی آموزش و توسعه منابع انسانی ایران، فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، سال سوم، شماره ۸، صص: ۱۹-۳۴.
- رحمانیان کوشککی، م، چیدری، م، عباسی، ع. (۱۳۹۴). بررسی توانمندی های کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش علمی - کاربردی کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه، استان فارس)، دو فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۱-۱۸.
- غلامرضا شمس مورکانی، محمد قهرمانی، زهرا معارفوند، فاطمه زنگنه شمس مورکانی، غ و، قهرمانی، م، معارفوند، زهرا و زنگنه، ف. (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد دانشگاه شهید بهشتی براساس مدل تعالی سازمانی، دوفصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، 39-67، دوره 6، شماره 12، بهار و تابستان.
- عزیزی، ب. (۱۳۸۹). طراحی الگوی نظام آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش علمی - کاربردی کشاورزی ایران، رساله دکتری رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- نادری، ن و رستمی، س. (۱۳۹۷). تحلیل راهبردی توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)، دو فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان، صص: ۳۷-۵۱.
- Fortwengel, J., and Jackson, G. (2016). Legitimizing the apprenticeship practice in a distant environment: Institutional entrepreneurship through inter-organizational networks. *Journal of World Business*, 1-15.
- Gupta, V. K., and Wales, William J. (2017). Assessing Organisational Performance Within Entrepreneurial Orientation Research: Where Have We Been and Where Can We Go from Here?. *The Journal of Entrepreneurship*, 26(1), 1-26.
- Heinonen, J. (2017). (Intrapreneurship - risk, change, success). Publications of the Turku School of Economics and Business Administration. (on line) <http://www.tukkk.fv.pk>.
- Kuratko, Donald and Hodgetts, Rechar (2012). *Entrepreneurship: a contemporary approach*. Harcourt collage publishers. fifth edition.
- Magnaye, Cartagena Magnaye (2019) Climate Smart Agriculture Edu-tourism: A Strategy to Sustain Grassroots Pro-biodiversity Entrepreneurship in the Philippines, *Cultural Sustainable Tourism*, pp: 203-218.
- Maktabi, H., and Babakhanian, M. (2015). Identification of Factors Affecting Organizational Entrepreneurship in Selected Sama Technical Schools. *procedia social and behavioral sciences*, 940-647.
- NI, Hao (2018) Entrepreneurship Education Matters: Exploring Secondary Vocational School Students' Entrepreneurial Intention in China, *The Asia-Pacific Education Researcher*, October 2018, Volume 27, Issue 5, pp: 409-418.
- Nisula, karoliina and pekkola, samuli (2019) ERP based business learning environment as a boundary infrastructure in business learning, *Education and Information Technologies*, vol: 10, issues: 3, pp: 1-20.
- Osborne, Richard (2012). The essence of entrepreneurial Success. *Management Decision*, 33(7), 23-40.
- Scalfi Eghenter, A. (2018). Organizational Creativity Play and Entrepreneurship. *Organization Studies*, 1-22.
- Shah, seyed imad, shahjehan, asad and afsar, bilal (2019) Determinants of Entrepreneurial University Culture Under Unfavorable Conditions: Findings from a Developing Country, *Higher Education Policy*, June 2019, Volume 32, Issue 2, pp 249-271.
- Smith, A. B. (2004) Changing External Conditions Require High Levels of Entrepreneurship in Agriculture, *ISHS Acta Horticultural* 655: XV International Symposium on Horticultural Economics and Management, DOI: 10.17660/ActaHortic.2004.655.21.
- Thonberry, Neal E. (2013). Corporate entrepreneurship: teaching managers to be entrepreneurs. *Journal of management Development*, 22(1), 18-33.

- Urban ,B. and Chantson,j(2019) Academic entrepreneurship in South Africa: testing for entrepreneurial intentions, The Journal of Technology Transfer, June 2019, Volume 44, Issue 3, pp 948–980.
- Urbano, David and Aparicio, Sebastian and Audretsch, David (2019) Twenty-five years of research on institutions, entrepreneurship, and economic growth: what has been learned? Small Business Economics, June 2019, Volume 53, Issue 1, pp 21–49.
- Ussman, A.M.(2015).University and Entrepreneurship Development, Academy of Business & Administrative Science(ABAS), International Conference Budapest, Hungary. July 13-15.
- Yunis,M., Tarhini,A., and Kassar,A.(2017). The role of ICT and innovation in enhancing organizational performance: The catalysing effect of corporate entrepreneurship. *Journal of Business Research*,1-13.